

مقایسه تفکر و رفتار جریان سلفیه و وهابیه با رفتار اهل سنت در زیارت قبر رسول خدا ﷺ

اصغر قائدان*

چکیده

در مورد زیارت قبر رسول خدا ﷺ در میان اهل سنت چهار نظر وجود دارد: عده‌ای بر آن اند که مستحب مؤکد تا حد وجوب است؛ دسته‌ای دیگر آن را مباح، دسته سوم مکروه و حرام مقید، و گروه چهارم آن را حرام مطلق می‌دانند. در این میان سلفیه و وهابیه، که در گروه سوم و چهارم قرار می‌گیرند، زیارت قبور، از جمله مرقد رسول خدا ﷺ را بر دو نوع می‌دانند: زیارت شرعی و زیارت بدعی و حرام. در این میان گروهی مثل ابن تیمیه، ابن قیم و پیروانشان تحت عنوان سلفیه، معتقدند ابتدا در اسلام زیارت قبور نهی شده و سپس پیامبر ﷺ آن را نسخ کرده‌اند و فرمان به زیارت قبور داده‌اند. بنابراین حرمت آن مقید و مشروط بر آن است که اولاً «شد الرحال» بر آن مترتب گردد و ثانیاً اعمال خلاف شرع در کنار آن، مثل توقف کنار قبر، حاجت خواستن، شفاعت طلبیدن و نیاحه و استلام قبر و... انجام شود؛ وگرنه مشروع و جایز است. گروه چهارم از جمله ابن بطال، ابن بطة، ابن سیرین، ابراهیم نخعی و شعبی و نیز علمای وهابیه معاصر، زیارت آن حضرت را مطلقاً، حتی بدون «شد الرحال»، حرام می‌دانند. در این تحقیق بر آنیم تا ابتدا ضمن بررسی عقاید و آرای چهارگانه، با ارائه روایاتی از رسول خدا ﷺ عملکرد صحابه، تابعین و علمای مذاهب اسلامی در متون روایی و تاریخی اهل سنت درباره زیارت قبر آن حضرت، به این مسئله پاسخ دهیم که چه تفاوت دیدگاهی و رفتاری بین قاطبه اهل سنت و سلفیه و وهابیه در مورد این موضوع وجود دارد. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد ضمن آنکه روایاتی در خصوص استحباب و سفارش اکید برای زیارت قبر رسول خدا ﷺ در متون روایی اهل

* دانشیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی دانشگاه تهران (qaedan@ut.ac.ir).

سنت وجود دارد، همواره صحابه، تابعین، فقها و بزرگان مذاهب اسلامی به زیارت آن حضرت می‌رفته‌اند و شد الرحال را منافی آن نمی‌دانستند. بنابراین در این خصوص تفاوت آشکار و معناداری بین آرای اهل سنت به طور عام، و جریان سلفیه و وهابیه به طور خاص دیده می‌شود. **واژه‌های کلیدی:** بقیع، زیارت قبور، مرقد شریف پیامبر ﷺ، قبرستان بقیع، قبور شهدای احد، سلفیه، وهابیه.

مقدمه

در متون دینی و روایی اسلامی بر زیارت قبور مؤمنین تأکید فراوانی شده است؛ زیرا علاوه بر آنکه طلب استغفار کردن برای متوفی نافع و مورد قبول حق است، برای زیارت‌کننده نیز بدین لحاظ نافع است که او را به یاد آخرت و قیامت می‌اندازد. رسول خدا ﷺ فرمودند: «الا اني كنت نهيتكم عن زيارة القبور فزورها فان فيها عبرة» و در جایی دیگر فرمودند: «فانها تذکرکم الآخرة» (ابن حنبل، ۱۳۶۸ق، ج ۴، ص ۳۶۴؛ مسلم بن حجاج، بی تا، ج ۳، ص ۱۵۶۳؛ ابوداود سجستانی، بی تا، ج ۳، ص ۳۳۲؛ ابن ماجه، ۱۳۰۴ق، ج ۱، ص ۱۰۵). به عبارتی زیارت قبور تنبه و هشدار است برای اعمال و رفتار مؤمنان و این چیزی جز رسیدن به قرب الهی و طاعت خداوندی نیست و در تهذیب روح و جان انسان نیز مؤثر است.

در خصوص دیدگاه اهل سنت به مسئله زیارت قبور و در رأس آن مرقد شریف رسول خدا ﷺ آنان به چهار دسته تقسیم می‌شوند: دسته‌ای زیارت قبور را مستحب می‌دانند؛ عده‌ای آن را مباح، کسانی مکروه و حرام مقید، و دسته آخر آن را حرام مطلق می‌دانند و هر گروه برای اثبات نظر خود به نقل ادله روایی و نقلی پرداخته‌اند. قائلان به استحباب، به روایات مختلفی از جمله روایت مزبور از رسول خدا ﷺ که فرمود: «من ابتدا از زیارت قبور نهی می‌کردم، اما آن را زیارت کنید که در آن عبرت است»، استناد می‌کنند. گروه دوم از آن روایات مباح بودن را برداشت می‌کنند. گروه سوم که بیشتر جریان سلفیه و وهابیه هستند، با استناد به حدیث معروف «شد الرحال» از رسول خدا ﷺ که فرمود: «لَا تُشَدُّ الرَّحَالَ إِلَّا إِلَى ثَلَاثِ مَسَاجِدَ: إِلَى مَسْجِدِ الْحَرَامِ،

وَمَسْجِدِي، وَمَسْجِدِ الْأَقْصَى» (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۱۲، ص ۱۱۶؛ بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۶۰؛ ابن ماجه، ۱۳۰۴ق، ج ۱، ص ۴۵۳)، سفر برای غیر این سه مسجد را به قبور و زیارتگاه‌های انبیا و اوصیا، مؤمنان به طور عام و زیارت رسول خدا ﷺ به طور خاص تعمیم می‌دهند. بر اساس نظر آنان کسی که به این قصد سفر کند، سفرش حرام است و مرتکب معصیت شده و نمازش در آن سفر کامل است. ولی اگر قصد از سفر، زیارت مسجدالنبی باشد، زیارت پیامبر ﷺ نیز مشروع است. البته مشروط به اینکه این زیارت با استلام، بوسیدن قبر، صورت گذاشتن بر روی آن، کنار آن ایستادن و رو به قبر دعا کردن، توسل جستن، طلب کردن حاجت، توسل و درخواست شفاعت همراه نباشد و فقط به یک سلام و طلب مغفرت اکتفا شود. نهایتاً گروه آخر با استناد به روایتی دیگر از آن حضرت که فرمود: «من زار القبور فليس منا» (صنعانی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۵۶۹)، به حرمت مطلق زیارت معتقد هستند و نظر کسانی را که به نسخ این روایت اعتقاد دارند، نمی‌پذیرند.

در این مقاله ضمن بررسی آرای این چهار دسته کوشیده‌ایم تا با بررسی پیشینه زیارت قبور مدینه با استناد به منابع اصلی روایی و تاریخی اهل سنت در این خصوص، تعارض و واگرایی دیدگاه اهل سنت را با تفکرات سلفیه و وهابیه روشن سازیم.

شایان گفتن است در خصوص بررسی جایگاه زیارت قبور از دیدگاه کلامی و فقهی و نیز پاسخ‌گویی به شبهات وهابی‌ها به این مسئله تحقیقات و مقالاتی به نگارش در آمده، اما به طور خاص و مستقل به پیشینه تاریخی زیارت رسول خدا ﷺ از ابتدا تا اعصار متأخر در متون روایی و تاریخی اهل سنت و تبیین تفاوت دیدگاه سلفیه با عامه اهل سنت کمتر پرداخته شده است. مقالاتی که در پیشینه این تحقیق قابل اعتنا هستند عبارت‌اند از: «بررسی دیدگاه ابن تیمیه درباره زیارت قبور»، نوشته عبدالمحمد شریفیات، مجله سراج منیر، پژوهشنامه نقد وهابیت، شماره ۱۳، سال

۱۳۹۳ شمسی که فقط به بررسی و نقد نظر ابن تیمیه در مورد زیارت قبور پرداخته است، «زیارت رسول الله در قرآن کریم»، اثر مرتضی رحیمی، منتشر شده در مجله قرآنی کوثر، شماره ۲۶، مقاله «فقه حج: مشروعیت سفر برای زیارت قبور»، نوشته یعقوب جعفری که در مجله میقات حج شماره ۱۰ به سال ۱۳۷۳ چاپ شده و بیشتر به مباحث فقهی و بررسی حدیث «شد الرحال» اختصاص دارد. مقاله مشابهی از مهدی درگاهی در مجله میقات حج، شماره ۱۱۰، در خصوص بررسی همین حدیث و نیز مقاله دیگری از همین نویسنده با عنوان «فضیلت زیارت قبور بزرگان دین در فقه فریقین» که در شماره ۹۹ همان مجله چاپ شده که صرفاً به بررسی فضیلت زیارت از دیدگاه شیعه و اهل سنت اختصاص دارد. مقالات متعدد دیگری نیز وجود دارد که درباره مبحث مشروعیت زیارت قبور توسط زنان نگاشته شده است.

دیدگاه ائمه مذاهب اهل سنت در مورد مشروعیت زیارت قبر رسول خدا ﷺ

۱. قائلین به استحباب

بیشتر بزرگان و علمای مذاهب با استناد به روایات متعددی از رسول خدا ﷺ و نیز رفتار و سیره حضرت رسول ﷺ، صحابه و تابعین و بزرگان و ائمه سلف به استحباب زیارت قبور، به ویژه قبر رسول خدا ﷺ نظر دارند و در این خصوص روایاتی را از آن حضرت نقل می کنند:

الا اني كنت نهيتكم عن زيارة القبور فزوروها فان فيها عظة و عبرة (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۳۸، ص ۱۲۲)

آگاه باشید که من شما را از زیارت قبور نهی می کردم، اما آن را زیارت کنید که در آن پند و عبرت است.

همچنین در روایتی مشابه در ادامه آن آمده است: «فَزُورُوهَا فَإِنَّهَا تَزْهَدُ فِي الدُّنْيَا، وَتَذَكِّرُ الْأُخْرَةَ» (ابن ماجه، ۱۳۰۴ق، ج ۱، ص ۱۰۵)؛ «پس آن را زیارت کنید که در آن تقوای دنیا و یاد آخرت است».

تقی‌الدین سبکی تألیفی در این خصوص با عنوان شِفَاءِ السَّقَامِ^۱ دارد که اکثر احادیث وارده شده در این مورد را گردآوری کرده است.

شایان گفتن است رسول گرامی اسلام ﷺ خود در زیارت قبور پیشگام بود و مردم را نیز به این کار خیر توصیه می‌فرمود. ابن قیم جوزی از عثمان بن عفان روایتی نقل کرده است:

كَانَ النَّبِيُّ إِذَا فَرَغَ مِنْ دَفْنِ الْمَيِّتِ وَقَفَ عَلَيْهِ فَقَالَ اسْتَغْفِرُوا لِأَخِيكُمْ وَاسْأَلُوا لَهُ التَّيْبَتِ فَانَهُ الْآنَ يَسْأَلُ (ابن قیم جوزیه، بی تا، ج ۱، ص ۱۱۹).

وقتی پیامبر ﷺ از دفن میتی فارغ می‌شد، در مقابل قبر او می‌ایستاد و می‌گفت: «برای برادران استغفار کنید و از خداوند برای او در سؤالاتی که اکنون از او می‌پرسند، ثبات [عقیده] طلب کنید».

وی سپس می‌افزاید: «باید به همین گونه برای آنان به هنگام زیارت قبرشان دعا کرد».

در این میان، زیارتِ عصاره خلقت و علل آفرینش، خاتم پیامبران، رسول خدا ﷺ، بر اساس روایاتی از آن حضرت در متون اهل سنت نه تنها جایز، بلکه مستحب مؤکد است و حتی با استناد به روایات مختلف در صورت استطاعت و امکان، می‌توان آن را تا حد وجوب تلقی کرد. ملاعلی قاری با استناد به روایت: «من حج البيت ولم يزرني فقد جفاني»؛ «کسی که حج کند و مرا زیارت ننماید، به من ستم کرده است» و روایاتی دیگر به وجوب زیارت قبر ایشان معتقد است (ر.ک: قاری، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۵۰). در روایتی دیگر می‌خوانیم:

و ما من احد من امتي له سع ثم لم يزر قبوري فليس له عذر (مغربی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۴۰۱).
در میان امت من کسی نیست که توان زیارت قبر مرا داشته باشد و چنین نکند. از او عذری پذیرفته نیست.

اینکه آن حضرت عدم توجه به زیارت خود را جفا و ستم تلقی کرده است، از استحباب مؤکد آن حکایت دارد که ترک آن گناه به شمار می‌آید. همچنین آن

حضرت زیارت خود را پس از مرگ، همانند زیارت خود در دوران حیاتشان دانسته و فرموده است:

من حج فزار قبري بعد موتي كان كمن زارني في حياتي (طبرانی، بی تا، ج ۳، ص ۳۵۱؛ بیهقی، ۱۴۲۳ق، ج ۵، ص ۴۰۳).

کسی که حج کند و پس از مرگم قبر مرا زیارت نماید، مثل آن است که مرا در هنگام زنده بودنم زیارت کرده است.

و شکی نیست که آن حضرت زنده است و اعمال امت به او عرضه می شود (زعیلی الحنفی، بی تا، ص ۲۰۳ و ۲۰۴). همچنین روایت دیگری از رسول خدا ﷺ نشان می دهد که زیارت قبر آن حضرت مستحب مؤکد، و حتی در حد وجوب است:

من حج حجة الاسلام و زار قبري و غزا غزوة و صلى في بيت المقدس لم يسأله فيها افتراض عليه (مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، ص ۶۰۹؛ قاری، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۵۰).

کسی که حج کامل، حجة الاسلام به جا آورد و قبر مرا زیارت، و در جهاد شرکت کند و در بیت المقدس نماز گزارد، از آنچه از فرایض بر عهده اش گذاشته شده، پرسش نمی شود.

من زارني محتسبا الى المدينة كان في جواري يوم القيامة (دارقطنی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۲۷۹؛ بیهقی ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۲۴۶).

کسی که به قصد زیارت من به مدینه در آید، در روز قیامت در جوار من است.

روایات دیگری هم از آن حضرت در دست است که نظر قائلین به استحباب را پذیرفتنی می کند؛ از جمله مورد شفاعت رسول خدا ﷺ قرار گرفتن زیارت کننده که شاید در دنیا فضیلتی بیشتر از این نتوان تصور کرد که پیامبری شفاعت زائران قبرش را در آخرت تضمین کرده باشد: «من زار قبري وجبت له شفاعتي» (هیثمی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۲؛ حاکم کبیر، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۸۴۶).^۲ رسول خدا ﷺ در روایت دیگری فرمود:

من جاءني زائراً لا تحمله حاجة الا زيارتي كان حقاً علي ان اكون له شفيعاً يوم القيامة
(حصني، ۱۳۵۰ق، ص ۱۹۷؛ طبرانی، بی تا، ج ۵، ص ۱۶).

کسی که برای زیارت من به سوی من آید، در صورتی که حج گزارده و هیچ سختی
جز زیارت من بر او تحمیل نشده باشد، بر من است که در روز قیامت از او شفاعت
کنم.

آنچه قابل ذکر است اینکه در هیچ یک از این روایات، رسول خدا ﷺ شرطی
نکرده است؛ شروطی از قبیل «شد الرحال» و در حقیقت قید عسرت و سختی سفر
برای زیارت، که مورد تأکید قائلین به حرمت است، یا نوع و کیفیت زیارت بر
اساس آنچه سلفیه و وهابیه نامشروع می دانند.^۳

شایان گفتن است علما و فقهای سلفیه احادیث مزبور را مجعول و ضعیف
می دانند و معتقدند اینها افترا به رسول خدا ﷺ است و نمی توان به آنها اعتماد کرد.
از جمله ابن عبدالهادی در کتاب خود الصارم المنکی فی الرد علی السبکی که در رد
احادیث مزبور در کتاب شفاء السقام من الأحادیث المرویه فی زیارة قبر النبی صلی
الله علیه وسلم، اثر سبکی نگاشته است، مدعی شده:

این کتاب را مشتمل بر احادیث ضعیف و مجعول یافتیم که هدفش تقویت مطالب
کذب و واهی و تضعیف احادیث صحیح مورد قبول، و تحریف آنها و تأویل به
مسائل منکر و مردود است و مؤلف این کتاب را فردی خودخواه در عقیده و پیرو
هوا و هوس یافتیم که به دنبال عقاید شاذ و آرای بی اعتبار و شبه و خیالات و دلایل
گمراه کننده است (ابن عبدالهادی حنبلی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۱۳).

محمد بن حسین بن سلیمان بن ابراهیم الفقیه، از علمای وهابی معاصر، معتقد
است به حدیث «من زار قبری...» و امثالهم نمی توان اعتماد کرد و از نظر سندی
مشکوک و بی اعتبارند و اسناد آنها ما بین ضعیف و شدید الضعف و موضوع هستند
و چگونه می توان به وسیله آنها به حکمی شرعی از احکام الهی استدلال کرد
(فقیه، ۱۴۲۲ق، ۱: ۱۳۵).

با این حال بسیاری از علمای مذاهب چهارگانه با استناد به روایاتی از این دست به زیارت قبر رسول خدا ﷺ توصیه کرده و آن را مستحب دانسته‌اند؛ از جمله ابن قدامه حنبلی،^۵ عمرانی یمنی شافعی،^۶ ابن حجر هیتمی،^۷ شربینی شافعی،^۸ شمس الدین بن شهاب الدین رملی،^۹ سلیمان عجللی ازهری،^{۱۰} صاوی مالکی،^{۱۱} بکری دمیاطی^{۱۲} و به گفته تقی الدین حصنی،^{۱۳} بغوی در تهذیب، عزالدین عبدالسلام در مناسک و ابو عمر بن صلاح ابوزکریا نووی به این مطلب اشاره کرده‌اند.

۲. قائلین به اباحه

دسته دوم از اهل سنت که در اقلیت قرار دارند، زیارت قبور و از جمله مرقده مطهر رسول خدا ﷺ را مباح می‌دانند و بر این نظرند که زیارت قبور جز آنکه مباح است، هیچ سودی ندارد. آنان معتقدند که نهی پیامبر ﷺ از زیارت: «من زار القبور فلیس منا» (صنعانی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۵۰۹)، با روایتی دیگر (الانی کنت نهیتکم عن زیارة القبور فزوروا فان فیها عبرة) نسخ شده است؛ یعنی ابتدا پیامبر ﷺ نهی کردند و سپس اجازه دادند (مالک بن انس، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ص ۶۹۲؛ ابن حنبل، ۱۳۶۸ق، ج ۴، ص ۳۶۴؛ شافعی، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۲۱۷؛ ابوداود سجستانی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۱۵۲).

ابن تیمیه معتقد است که این حرمت به مباح بودن و نه استحباب نسخ شده است (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ق، ج ۲۷، ص ۳۴۳). وی سپس می‌افزاید:

اگر کسی چنین کند و کار دیگری انجام ندهد، بلاشکال است. البته این مباح بودن در صورتی که همراه با «شد الرحال» و سفر به مدینه به قصد زیارت صرف این مزارات، یا به قصد قربت و نیز ایستادن و توقف بر قبور و خواندن دعا کنار آن یا حاجت طلبیدن و یا به هدف تعظیم و بزرگداشت مقام آنان از جمله رسول خدا ﷺ صورت بگیرد، حرام و نامشروع تلقی می‌گردد. سفر به مدینه به قصد زیارت، استحبابی ندارد و در آن اختلافی نیست؛ زیرا مسافر برای فعلی که از آن نهی شده است مسافرت می‌کند؛ مثل شرک و غیره؛ لذا کسی به منظور صرف دعا برای میت نباید سفر کند

و اگر کسی چنین کند، از فضیلت دعا کنار قبر برخوردار نمی‌شود و اگر همراه این کار منافعی هم باشد که از آن بهره گیرد، از میان می‌رود و این جز مفسده نیست (همو، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۵۸).^{۱۴}

شهاب‌الدین محمد بن عبدالهادی، از علمای حنبلی نیز مباح بودن زیارت قبر رسول اکرم ﷺ را در صورتی قبول دارد که چنین اعمالی در زیارت صورت نگیرد. وی می‌گوید:

همه علما بر این اتفاق نظر دارند که نباید حجره را استلام کرد و روبه‌روی آن ایستاد و گرد آن چرخید و در آن نماز گزارد. همه اینها به اتفاق ائمه نهی شده است (ابن عبدالهادی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۴۶).

۳. قائلین به حرمت مقید و مشروط

قائلین به حرمت مقید به دو دسته از روایات نبوی استناد کرده‌اند:

الف) تباین با حدیث شد الرحال

در تفکر جریان سلفیه و وهابیه آنچه مهم است نامشروع بودن سفر برای زیارت قبور انبیا و صالحان است که آن را بدعت می‌دانند. آنان با استناد به حدیث مشهور پیامبر ﷺ «لا تشد الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد: المسجد الحرام، ومسجدي هذا، والمسجد الأقصى» (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۱۲، ص ۱۱۶؛ بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۶۰)، زیارت قبر رسول خدا ﷺ را در صورتی مباح و جایز می‌دانند که «شد الرحال» در آن نباشد؛ وگرنه حرام و نامشروع است؛ یعنی باید زائر ساکن مدینه باشد یا اگر از خارج مدینه می‌آید، نیت و قصد زیارت قبر پیامبر ﷺ را نداشته و برای آن رنجی متحمل نشده باشد.^{۱۵} ابن تیمیه یکی از قائلین به این نظر است. او می‌گوید که در میان احادیث وارد شده در مورد زیارت پیامبر ﷺ هیچ حدیث صحیحی از سوی آن حضرت و هیچ یک از صحابه وجود ندارد. با این حال آنچه در آن نزاع و اختلافی نیست اینکه زیارت بدون «شد الرحال» جایز است؛ یعنی زیارتی که شرعی باشد و در آن شرک

و بدعتی نباشد (آل شیخ، ۱۳۷۷ق، ج ۱، ص ۲۶۱). ابن تیمیه مدعی است نظر اکثر فقها بر آن است که زیارت قبور به این شرط مشروع است (ابن تیمیه، ۱۴۱۸ق، ج ۱۰، ص ۶۰).

عبدالعزیز بن سعود در کتاب خود ضمن بیان حدیث «شد الرحال» اشاره می‌کند که نه تنها سفر برای مساجدی غیر از این سه مسجد نامشروع است، بلکه سفر صرف برای زیارت قبور به طریق اولی مشروعیت ندارد و این عادات فاسد را پادشاهان و امثالهم بنا نهادند و روایاتی که دارقطنی در مورد زیارت رسول خدا ﷺ روایت کرده است، همگی مجعول و کذب است و ابن صلاح، سهیلی، ابن جوزی، ابن عبدالبر و ابن تیمیه بر سر این مسئله اتفاق نظر دارند و بقیه ائمه اهل سنت به خلاف آن نظر داده‌اند (ابن سعود، بی تا، ج ۱، ص ۲۶).

مؤلف کتاب توضیح المقاصد بدون ارائه استنادات رجالی معتقد است ادله مجوزین شد الرحال روایاتی است که تقی‌الدین سبکی در کتاب خود شفاء السقام نقل کرده و این احادیث همگی ضعیف و مجعول هستند (احمد بن ابراهیم، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۳۵۷). همچنین یکی دیگر از علمای معاصر وهابی می‌گوید احادیثی که درباره فضیلت زیارت قبر پیامبر ﷺ وارد شده است، همگی مجعول است و آنچه صحیح است، حدیث «لَا تَشْدُ الرَّحَالَ» است (شقیری الحوامدی، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۶). این در حالی است که (چنان‌که در صفحات بعد بدان اشاره خواهیم کرد)، بسیاری از علمای مذاهب اهل سنت شد الرحال را برای زیارت قبر رسول خدا ﷺ جایز می‌دانند.^{۱۶}

ب) مسجد قرار دادن قبور انبیا

حدیث دیگری که زیارت قبر رسول خدا ﷺ را نزد سلفیه و وهابیه با حرمت مواجه می‌سازد، روایتی از قول آن حضرت است: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ قَبْرِي وَثَنًا يُعْبَدُ. اَشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى قَوْمٍ اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ» (مالک، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۴۰؛ صنعانی،

۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴۰۶؛ ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۱۲، ص ۳۱۴) و نیز: «قاتل الله اليهود والنصارى اتخذوا قبور انبيائهم مساجد» (مالک، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۹۲). در روایتی دیگر به جای «قاتل الله»، «لعن الله» آمده است (بخاری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۹۳؛ ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۳۷۴).

به پندار آنان رفتار و اعمالی نظیر وقوف کنار قبر، لمس آن، دعا و طلبیدن حاجت و نیز توسل جستن و شفاعت طلبیدن از صاحب قبر و نیز بزرگداشت و تعظیم او مشمول احادیث مزبور است که البته در رد چنین پندارهایی و نیز از منظر فقه الحدیثی مقالات و کتاب‌های زیادی در این مورد، چه از سوی اهل سنت و چه شیعیان، نگاشته شده است. ابن تیمیه با استناد به این گونه احادیث معتقد است:

زیارت قبور عموماً و زیارت قبر پیامبر ﷺ خصوصاً با این وصف، منع شرعی دارد. عده‌ای می‌پندارند زیارت قبر میت به طور کلی از باب اکرام و بزرگداشت اوست؛ پس رسول اکرم به این بزرگداشت محق‌تر از هر کس دیگری است و لذا ترک زیارت او را باعث کاهش و نقص برای مقام او می‌دانند. این افراد اشتباه می‌کنند و با کتاب و سنت و اجماع امت، چه سلف و چه پس از آن، مخالفت می‌نمایند و نیز این سخن که هرچه زائر به قبر نزدیک‌تر باشد، دعا افضل است، به تواتر و اجماع امت صحیح نیست و تلاش برای رسیدن به قبر و دعا در کنار آن شرعی نیست و احادیث صحیحی در این مورد در دست است (ابن تیمیه، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۷۵).

او مدعی است علما اتفاق نظر دارند که پیامبر ﷺ از زیارت قبور نهی کرده است و گفته شده این امر به سبب آن بوده که در مظان شرک و بدعت قرار می‌گیرند یا مستلزم نیاحه (ضجعه و شیون کردن) و سایر کارهای نامشروع است به مصداق نهی رسول خدا ﷺ در احادیث وارد شده و این به اتفاق علما حرام است (همو، ۱۴۱۶ق، ج ۲۷، ص ۳۴۳).

به گفته خثعمی نجدی، از فقهای معاصر وهابی، سفر به قصد زیارت پیامبر ﷺ از جنس حج تلقی می‌شود و بدین معناست که اصحاب رسول ﷺ به قصد انجام دادن

شرکی بزرگ حرکت می کنند؛ یعنی به قصد اینکه قبور را سجده گاه قرار دهند. آنان از آنچه رسول خدا ﷺ از «اتخاذ القبور مساجد و اتخاذها عیداً و أوثاناً» نهی کرده است، نهی نمی کنند. این سفر بدعت است و هیچ یک از صحابه و تابعین چنین کاری نکرده اند. پس کسی که معتقد باشد این کار عبادت است، با سنت و اجماع امت مخالفت کرده است (ختعمی نجدی، بی تا، ج ۱، ص ۲۵۰).

ابن عبدالهادی در تألیف خود که ردیه ای است بر تألیف سبکی، معتقد است اگر اعمال غیر شرعی در زیارت قبر رسول خدا ﷺ صورت گیرد، مثل روبه روی قبر ایستادن و سلام دادن و دعا خواندن کنار قبر، توسل و شفاعت جستن و... این نوع زیارت به اجماع حرام است. او می نویسد:

سلف و صحابه و تابعین وقتی می خواستند به ایشان سلام دهند یا دعایی کنند، به سوی قبله و نه به سوی قبر می ایستادند، و ایستادن روبه روی قبر ایشان و دعا کردن و حاجت خواستن و توسل به ایشان نامشروع و حرام است (ابن عبدالهادی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۵۴).

علاوه بر او ابن تیمیه نیز چنین عقیده ای دارد و نیز اشاره دارد که مالک وقتی به پیامبر ﷺ سلام می داد، صورتش را به سمت قبله می گرداند نه قبر و سلام می داد و می رفت و قبر را لمس نمی کرد؛ زیرا سلف چنین نمی کردند؛ بلکه به مسجد می رفتند تا پشت سر ابوبکر، عمر، عثمان و علی نماز بگذارند و پس از نماز، بر رسول خدا ﷺ صلوات و درود فرستند و از مسجد خارج شوند (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ق، ج ۲۷، ص ۳۸۶).^{۱۷} وی از قول قاضی عیاض می گوید: «مالک بن انس و قوف در کنار قبر را بدعت می دانست. او نمی پسندید که کسی بگوید ما قبر پیامبر ﷺ را زیارت کردیم» (همو، بی تا، ج ۱، ص ۲۷۵).^{۱۸} وی می افزاید:

در کتاب و سنت دلیلی بر استحباب زیارت قبور انبیا در دست نیست. در کجای کتاب خدا و سنت رسول خدا ﷺ سفر به قصد زیارت قبور ایشان و غیر ایشان استحباب

دارد؟ جهال و گمراهان می‌پندارند که سفر برای زیارت قبور از حقوق واجبی است که خداوند برای مردم تعیین کرده و نشانگر ایمان به آنان است. زائر هنگامی که آنها را می‌خواند و برایشان تضرع می‌کند، چه شفاعت از ایشان بخواهد و چه تنها به سبب جایگاه عالی آنان نزد خداوند چیزی بخواهد، چنین زیارتی در شریعت اسلام نیست؛ بلکه از دین مشرکین است و پیامبر ﷺ چنین چیزی را برای امتش مشروع ندانسته است و هیچ یک از اصحاب و تابعین و بزرگان دین چنین کاری نکرده‌اند (همو، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۸).

نویسنده کتاب توضیح المقاصد اشاره می‌کند که هیچ یک از صحابه و تابعین و ائمه مذاهب این کار را نکرده‌اند و رسول خدا ﷺ نیز بدان امر نکرده است. پس کسی که به این امر اعتقاد داشته باشد، با سنت و جماعت مخالفت کرده است و این بر اساس نظر ابن بطه در الابانة الصغر ممن البدع المخالفة للسنة والاجماع است. او می‌افزاید:

وجه دیگر آنکه حدیثی که اقتضای نهی دارد، مقتضی تحریم نیز هست و آنچه از احادیث در مورد زیارت قبر پیامبر ﷺ نقل شده، همگی به اتفاق نظر متخصصان حدیث، ضعیف و مجعول است و هیچ یک از اهل سنت و ائمه آنان به آنها اعتماد و احتجاج نکرده‌اند؛ حتی مالک امام و پیشوای مردم مدینه که وی را در این موضوع اعلم مردم می‌دانند، کراهت داشت کسی بگوید قبر پیامبر ﷺ را زیارت کرده است.^{۱۹} ... هیچ یک از صحابه و تابعین در زمانی که حجره و مرقد آن حضرت از مسجد جدا بود، یعنی در زمان ولید بن عبدالملک، به داخل حجره نمی‌رفتند و آنجا نماز و دعا نمی‌خواندند و قبر را مسح نمی‌کردند. سلف از صحابه و تابعین وقتی بر او سلام می‌دادند و می‌خواستند دعا کنند، رو به قبر نمی‌ایستادند. ابوحنیفه در مورد فرستادن سلام و دعا بر ایشان گوید: «باید به سمت قبله ایستاد و نه روبه‌روی قبر» و اکثر بزرگان و ائمه مذاهب هنگام ادای سلام فقط رو به قبر، و هنگام دعا رو به قبله می‌ایستادند.^{۲۰} همه اینها برای حفظ توحید و دوری از شرک و «تخاذ القبور مساجد» بوده است (احمد بن ابراهیم، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۳۵۶-۳۶۲).

۴. قائلین به کراهت و حرمت مطلق

گروهی دیگر از جریان سلفیه و وهابیه با استناد به روایتی از پیامبر ﷺ که فرموده‌اند: «من زار القبور فلیس منا» (صنعانی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۵۶۹) به نهی و حرمت معتقدند و می‌گویند ما از زیارت قبور نهی شده‌ایم. شایان گفتن است که این روایت فقط از طریق معمر از قتاده نقل شده و هیچ کس دیگری آن را روایت نکرده و همچنین تنها عبدالرزاق در المصنف آن را ذکر کرده است و هیچ یک از متون حدیثی اهل سنت آن را نقل نکرده‌اند. ناصرالدین البانی، محدث معاصر، نیز این حدیث را تضعیف کرده است (البانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص ۸). در هر حال آنان این حرمت را مطلق می‌دانند؛ چه در آن «شد الرحال» باشد و چه نباشد.

آلوسی شکری با استناد به یکی از تألیفات پدرش می‌گوید: «بدان که در زیارت قبور، اگرچه «شد الرحال» هم در آن نباشد، اختلاف است». عبدالرزاق از ثوری و از منصور از ابراهیم نخعی نقل می‌کند که زیارت قبور را مکروه می‌دانست و بسیاری به قول او هستند. ابن بطلال از شعبی نقل می‌کند که می‌گفت: «اگر رسول خدا ﷺ از زیارت قبور نهی نمی‌کرد، من قبر فرزندم را زیارت می‌کردم». (ابن ابی شیبه، ۴۰۹ق، ج ۴، ص ۳۴۵؛ صنعانی، ۴۰۳ق، ج ۳، ص ۵۶۹؛ آلوسی، ۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۰۷). ابراهیم نخعی گوید: «زیارت قبور مکروه است» و همین طور از ابن سیرین چنین چیزی نقل شده است (سهسانی هندی، بی تا، ج ۱، ص ۴۸).

قائلان به استحباب به این روایت استناد می‌کنند که نهی از زیارت را آن حضرت خود نسخ کرده‌اند: «الا انی کنت نهیتکم عن زیارة القبور فزوروها» (ابن حنبل، ۴۲۱ق، ج ۲، ص ۳۹۸؛ مسلم بن حجاج، بی تا، ج ۳، ص ۱۵۶۳؛ ابوداود سجستانی، بی تا، ج ۳، ص ۳۳۲؛ ابن ماجه، ۳۰۴ق، ج ۱، ص ۱۰۵). ولی این گروه می‌گویند نسخ نزد ما اثبات نشده است (عثیمین، ۴۲۴ق، ج ۱، ص ۴۲۱).^{۲۱} این سخن آنان در حالی است که از عایشه که برای زیارت برادرش عبدالرحمان بن ابوبکر رفته بود، پرسیدند:

«آیا رسول خدا ﷺ آن را نهی نکرده است؟» گفت: «آری اما سپس به زیارت آن فرمان داده است» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۵۳۲؛ ابن حنبل، ۴۲۱ق، ج ۲، ص ۳۹۸). البته در اینکه آیا نسخ شده یا نه، اختلاف است. ابن تیمیه گوید بیشتر علما معتقدند نسخ شده است^{۲۲} و برخی گفته‌اند چون در صحیح بخاری به آن اشاره نشده و اشتهاری هم ندارد، نسخ نشده است (ابن تیمیه، ۴۱۸ق، ج ۱، ص ۵۹).

شایان ذکر است احمد بن حنبل آن را نسخ شده می‌داند. او ابتدا روایتی از امام علی علیه السلام نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ ما را از زیارت قبور و از اینکه گوشت قربانی را بیش از سه روز نگه‌داریم، نهی کرد و بعد فرمود: «انی کنت نهیتکم عن زیاره القبور.... الخ» (ابن حنبل، ۴۲۱ق، ج ۲، ص ۳۹۸).

الحصین، از دیگر فقهای معاصر وهابی که کتابی در مورد دعوت محمد بن عبدالوهاب به عنوان سلفیه و نه وهابیه نگاشته است، ضمن اشاره به احادیث منقول از رسول خدا ﷺ همه آنها را کذب و افترا به رسول خدا ﷺ می‌داند (حصین، ۴۲۰ق، ج ۱، ص ۳۲۷) و می‌افزاید:

آنچه در مورد ممانعت وهابیت از زیارت قبور گفته‌اند، درست است. آری، آنان از زیارت مشاهدی ممانعت می‌کنند که جز خدا در آن عبادت می‌شود و کارهایی در آن رواج می‌یابد که نه خداوند و رسول خدا ﷺ به آن اجازه نداده‌اند و نه اصحابش و نه بعد از آنان ائمه به این کار توصیه کرده‌اند (همان، ۴۲۰ق، ج ۱، ص ۳۲۵).

به گفته قحطانی حنبلی نجدی اگر کسی صرفاً برای سلام دادن بر آن حضرت حرکت کند بدون آنکه اراده رفتن به مسجد داشته باشد، این بر اساس روایت «لاتتخذوا قبری عیدا و وثناً» به مثابه «اتخاذ عید» تلقی، و از آن نهی می‌شود و حتی کسی که در مسجد نماز می‌گزارد نیز اگر قصد او علاوه بر نماز، سلام دادن بر قبر ایشان باشد، مشمول آن می‌شود. برخی گفته‌اند وقتی عبدالله بن عمر از خارج مدینه به داخل آن می‌آمد به سوی قبر ایشان می‌رفت و چنین می‌گفت: «السلام

عليك يا رسول الله، السلام عليك يا أبا بكر، السلام عليك يا أبتاه». اما شيخ الإسلام، ابن تیمیه می گوید این مطلب را هیچ یک از صحابه در مورد او نقل نکرده اند و این بدعت است و اتفاق علما بر این است که او وقتی دعا می خواند، روبه روی قبر نمی ایستاد (قحطانی حنبلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۷۳).^{۲۳} وی می افزاید:

جز این نیست که صحابه به مسجد می آمدند و نماز می گزاردند و سپس خارج می شدند و برای سلام دادن به سوی قبر نمی آمدند؛ چون می دانستند سلام و صلوات بر او در نماز بهترین و کامل ترین سلام و درود است. در آن هنگام، حجره و مرقد یک در داشت که می توانستند به داخل آن بروند؛ با این حال داخل نمی شدند؛ چون پیامبر ﷺ ایشان را با این سخن نهی کرده بود: «لا تتخذوا قبوري عيدا» و روایات دیگر (همانجا).

پیشینه تاریخی زیارت مرقد رسول خدا ﷺ در متون روایی اهل سنت

چنان که در ابتدا شرح آن رفت، قاطبه اهل سنت به استحباب زیارت رسول خدا ﷺ معتقدند و آن را دارای فضیلت می دانند. آنچه در اینجا سبب نزاع و اختلاف بین قائلان به استحباب شده، حدیث «شد الرحال» است. گروهی از سلفیه و وهابیه با تعمیم این حدیث که مربوط به زیارت مساجد است، کوشیده اند زیارت به این قصد را حرام و معصیت تلقی کنند. در این قسمت با ارائه مصادیق و نمونه هایی از رفتار سلف، روشن خواهیم ساخت که صحابه و تابعین و بزرگان مذاهب اهل سنت همواره به زیارت رسول خدا ﷺ می رفتند و شد الرحال را در این مورد، بی اشکال می دانستند و حتی اعمالی انجام می دادند که سلفیه آن را نامشروع و شرک می دانند و مدعی اند هیچ یک از صحابه و تابعین و سلف و بزرگان ائمه مذاهب چنین رفتاری کنار قبر آن حضرت نمی کردند.

۱. سفر به قصد زیارت مرقد رسول خدا ﷺ

چنان که پیش تر شرح آن رفت، سلفیه و در رأس آنها ابن تیمیه معتقدند چه در عهد خلفای راشدین و چه در زمان تابعین و تابعین تابعین، هیچ کس برای زیارت

قبر پیامبر ﷺ سفر نمی کرده است؛ نه برای زیارت قبر پیامبری و نه فرد صالحی و غیر آن؛ بلکه این مسائل بعدها پدید آمده است (ابن تیمیه، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۸۸). با این حال بسیاری از علمای اهل سنت سفر به قصد زیارت رسول خدا ﷺ به مدینه را نه تنها جایز می دانند، بلکه برای آن فضیلت و استحباب قائل اند و آن را با حدیث «شد الرحال» منافی و مخالف نمی دانستند. محمد غزالی در احیاء العلوم مباحثی درباره استحباب زیارت قبر رسول خدا ﷺ ارائه کرده است؛ از جمله اینکه می گوید:

وزیارة قبور... ویجوز شد الرحال لهذا الغرض ولا یمنع من هذا قوله صلی الله علیه وسلم لا تشد الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد مسجدي هذا والمسجد الحرام والمسجد الأقصى (غزالی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۶۰).

تقی الدین حصنی، از علمای بزرگ حنفی، با ارائه مصادیق فراوانی از سفر بزرگان به قصد زیارت قبر رسول خدا ﷺ در کتاب خود و پاسخ دادن به شهادت ابن تیمیه و دیگران در این خصوص از قول عبدی مالکی، از علمای بزرگ مالکیه، نقل می کند که حرکت به سوی مدینه برای زیارت قبر رسول خدا ﷺ از رفتن به سوی کعبه و بیت المقدس برتر است. وی آن گاه در مورد نظر او می گوید: «واین گفته او صحیح است؛ زیرا آن زمین از همه بقاع افضل است». وی سپس به سخن یکی دیگر از علمای حنبلی، یعنی ابن خطاب محفوظ کلوازی، اشاره می کند که در کتاب الهدایة خود در پایان باب صفت حج می گوید: «زیارت قبر رسول خدا ﷺ و دو صحابه اش مستحب شمرده شده است و شد الرحال برای زیارت پیامبر اکرم ﷺ و صحابه صدیقش مستحب است» (حصنی، ۱۳۵۰ق، ص ۱۸۸). وی همچنین از قول احمد بن حمدان در الرعیة الکبری نقل می کند: «برای کسی که از حج فارغ می شود، مستحب است که به زیارت قبر پیامبر ﷺ و دو صحابه اش رود و البته اگر خواست می تواند قبل از ادای حج برود» (همان، ۱۳۵۰ق، ص ۱۸۵). او همچنین می افزاید:

حجاج پس از حج، به زیارت قبر شریف آن حضرت می رفتند و آن را سنت مؤکد

می دانستند و هیچ گاه آن را ترک نمی کردند. همیشه رسم چنین بوده که آنان وقتی از مناسک حج فارغ می شدند، از مکه به قصد مدینه و زیارت قبر پیامبر ﷺ حرکت می کردند که این زیارت از مهم ترین مستحبات، بلکه نزدیک به درجه واجب است؛ زیرا آن حضرت خود به آن تشویق می فرموده است (همان، ۱۳۵۰ق، ص ۱۸۷).

کسانی از صحابه رسول خدا ﷺ صرفاً برای زیارت قبر ایشان به مدینه رفته اند؛ از جمله بلال، مؤذن آن حضرت، سختی سفر را بر خود هموار کرد و از شام به قصد زیارت قبر ایشان به مدینه رفت؛ زیرا پیامبر ﷺ را در خواب دید که به او فرموده بود: «چرا به دیدن ما نمی آیی؟» او وقتی به قبر ایشان رسید، صورتش را روی قبر گذاشته بود و می گریست (همان، ۱۳۵۰ق، ص ۱۸۲). گزارشی در دست است که نشان می دهد خلیفه دوم هم از کسانی بوده که سفر برای زیارت رسول خدا ﷺ را جایز می شمرده و به آن توصیه می کرده است. کعب الاحبار می گوید:

خلیفه دوم بعد از فتح بیت المقدس به من گفت: «آیا می توانی با من به سوی مدینه همراه شوی تا قبر رسول خدا ﷺ را زیارت کنیم؟» گفتم: «بله یا امیرالمؤمنین». وقتی عمر وارد مدینه شد، ابتدا به مسجد رفت و بر رسول الله ﷺ سلام فرستاد. عمر هرگاه از سفری می آمد، نزد قبر ایشان می رفت و بر او و ابوبکر صدیق سلام می فرستاد (همانجا).

تقی الدین حصنی در پاسخ ابن تیمیه که می گوید هیچ گاه صحابه و تابعین و ائمه مذاهب به قصد زیارت پیامبر ﷺ و به قصد قربت به مدینه نمی رفتند، اظهار می دارد: این سخن وی افترا و بهتانی است که به صحابه رسول خدا ﷺ و تابعین و پیشوایان و بزرگان دین می زند که همه بر این امر اتفاق دارند. اگر زیارت [به قصد قربت و طاعت] حرام بود، چرا سلف، زیارت کنندگان را منع نمی کردند؛ به ویژه شخصی چون عمر بن خطاب که امیرالمؤمنین بود و در کوچک ترین امر، مسامحه ای نداشت و سخت گیرترین فرد نسبت به حق بود و از سرزنش کسی نمی ترسید (همان، ۱۳۵۰ق، ص ۱۸۲-۱۸۵).

همچنین نقل شده است علی بن ابی طالب ع در آغاز خلافتش به مسجد داخل شد. وقتی چشمش به بیت فاطمه افتاد، گریست. آن گاه به سوی قبر پیامبر ص رفت و آنجا هم گریست و در هر دو جا مدتی طولانی می گریست. (همان، ج ۱، ص ۳۶۶). عمر بن عبدالعزیز، خلیفه اموی، نماینده‌ای را از شام به مدینه می فرستاد تا از جانب او بر رسول خدا ص سلام فرستد و باز گردد (سمهودی، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۷). کسی به مالک بن انس گفت گروهی از مردم مدینه از سفر بر نمی گردند و قصد خروج از شهر نمی کنند، مگر اینکه هر بار به زیارت قبر رسول اکرم ص می روند و بر او سلام می فرستند. برخی نیز جمعه‌ها و برخی نیز یک یا دو بار در روز چنین می کنند. از ابن قاسم هم روایت شده مردم مدینه یک بار هنگام خروج، و یک بار هنگام ورود چنین می کنند (قاضی عیاض، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۰۵).

۲. خواندن دعا و توسل کنار قبر رسول خدا ص

بسیاری از علمای مذاهب، وقوف و دعا و توسل جستن کنار قبر رسول خدا ص را بدون اشکال دانسته‌اند؛ جز سلفیه و وهابیه که به اعتقاد آنان چنین زیارتی بدعت آمیز و زیارت مشرکان و اهل شرک است که به قصد خواندن میت و استغاثه و پناه بردن به او و درخواست حاجت و خواندن نماز کنار آن انجام می شود. ۲۴ ابوالفرج عبدالرحمان بن جوزی، از علمای حنفی، در کتاب خود بابتی را به زیارت قبر رسول خدا ص اختصاص داده و در آن به حدیث عبدالله بن عمر و انس بن مالک استدلال کرده است:

مَنْ زَارَ قَبْرَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَلْيَقِفْ عِنْدَ زِيَارَتِهِ مُتَذَبِّبًا نَحْوَ مَا لَوْ كَانَ حَضَرَ عِنْدَهُ فِي حَيَاتِهِ (ابن قیم جوزیه، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۹۵).

کسی که قبر رسول خدا ص را زیارت می کند، پس باید هنگام زیارت کنار قبر ایشان مؤدبانه بایستد، به گونه‌ای که اگر ایشان زنده بودند در حضورشان می ایستاد.

در غایة الامانی آمده است:

دعا و توسل در کنار قبر آن حضرت مشروع و جایز است و ما به این کار در حق پیامبرمان مأور شده‌ایم؛ مثل فرستادن درود و صلوات بر او. همچنین او را وسیله قرار دادن در تمامی مکان‌ها مشروع است و اختصاصی به قبر او ندارد. پس در کنار قبر او عمل نیکی که آن را از دیگر بقعه‌ها ممتاز سازد، نیست. بلکه هر کار شایسته‌ای که در دیگر بقاع می‌توان انجام داد، در اینجا نیز می‌توان انجام داد؛ الا اینکه مسجد او از مکان‌های دیگر بافضیلت‌تر است و عباداتی که بعد از دفن ایشان در این مسجد انجام می‌شود، همانند قبل از دفنشان مشروع و جایز است (آلوسی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۷۲).

نخستین نمونه جواز این توسل را رسول خدا ﷺ صادر کردند. وقتی فاطمه بنت اسد - که رسول خدا را چون مادری مهربان بزرگ کرده بود - از دنیا رفت، حضرت به داخل قبر رفت و چنین دعا کرد:

رحمک الله یا امی بعد امی... اغفر لامي فاطمه بنت اسد و وسع علیها مدخلها بحق نبیک و الانبیاء الذین من قبلی و هو حی لایموت فانک ارحم الراحمین (سمهودی، ۱۳۷۴ق، ج ۳، ص ۱۹۹).

آن حضرت در این روایت خود و انبیای قبل را واسطه قرار می‌دهد تا فاطمه، مادر امام علی علیه السلام را مشمول رحمت خود قرار دهد.

همچنین ام‌المؤمنین عایشه در سالی که در مدینه خشک‌سالی شد و مردم نزد او رفتند، به مردم گفت: «از سقف قبر رسول خدا ﷺ روزنه‌ای به آسمان باز کنید که بین قبر و آسمان حائل نباشد و دعا کنید». وقتی چنین کردند، آسمان شروع به باریدن کرد و این توسل برای مردم کارساز شد (همان، ۱۳۷۴ق، ج ۱، ص ۵۶۰؛ حصنی، ۱۳۵۰ق، ص ۱۶۶). بعدها وقتی قبة الخضر را ساختند، به یاد آن واقعه یک برجستگی به عنوان روزنه بر روی آن ایجاد کردند که هنوز هم بر روی گنبد باقی است و به وضوح دیده می‌شود.

همچنین گفته‌اند در زمان خلیفه دوم کسانی برای استسقا به قبر آن حضرت

متوسل می‌شدند (حصنی، ۱۳۵۰ق، ص ۱۶۶). از انس بن مالک روایت شده است وی نزد قبر رسول خدا ﷺ آمد و ایستاد و دستان خود را بالا برد، به گونه‌ای که گمان کردیم می‌خواهد نماز بخواند. پس بر رسول خدا ﷺ درود فرستاد و سپس باز گشت (مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، ص ۶۱۸).

عبدالله بن عمر نیز از کسانی بود که به هنگام زیارت رسول خدا ﷺ کنار قبر می‌رفت و وقوف می‌کرد. ابوحنیفه از قول او گوید:

سنت آن است که از سمت قبله نزد قبر رسول خدا ﷺ در آیی و قبله را در پشت خود قرار دهی و رو به قبر و مقابل آن بایستی و بگویی: «السلام علیک ایها النبی و رحمة الله وبرکاته» (زیلعی حنفی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۲۱).

ایوب سختیانی، از محدثان و عرفای بصره در اواخر قرن اول و کسی که مالک بن انس از وی روایت کرده است، نزدیک قبر رسول خدا ﷺ آمد، پشت به قبله کرد و صورتش را در مقابل قبر قرار داد و می‌گریست. همچنین ابن جماعه، از بزرگان حنفی، به زیارت قبر رسول خدا ﷺ آمد و در کنار رأس شریف ایشان پشت به قبله ایستاد و بر آن حضرت سلام فرستاد (سمهودی، ۱۳۷۴ق، ج ۱، ص ۴۲۹).

ابوعبدالرحمان محمد بن عبیدالله، نواده عتبه بن ابی سفیان، از اصحاب سفیان بن عیینه نقل می‌کند:

به مدینه داخل شدم و کنار قبر پیامبر ﷺ نشستم. دیدم یک عرب بیابانی آمد و گفت: «ای بهترین پیامبر، خداوند تعالی در کتابش گفته است: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا» [النساء: ۶۴] من نزد تو آمده‌ام، درحالی که از گناهانم آمرزش می‌خواهم و تو را نزد خداوند شفیع قرار می‌دهم». آن‌گاه اشعاری خواند و گریه کرد. عتبی گوید شب در خواب رسول خدا ﷺ را دیدم که به من می‌گفت: «به آن اعرابی بشارت بده خداوند گناهانش را آمرزید» (صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۳۷۹).

از عثمان بن حنیف روایت شده مردی به سرای عثمان بن عفان می‌رفت تا از او حاجتی بخواهد و راه نمی‌یافت. عثمان بن حنیف به آن مرد گفت:

برو وضو بساز و به مسجد پیامبر ﷺ وارد شو؛ دو رکعت نماز گزار و بعد از آن بگو: «اللهم انی استلک و اتوجه الیک بنبینا محمد صلی الله علیه و اله وسلم نبی الرحمة یا محمد انی اتوجه بک الی ربک فتقضی حاجتی». آن مرد بیرون آمد. در این حال حاجب عثمان وی را طلب کرد و خلیفه او را پیش خود نشاند و خواسته‌اش را بر آورده کرد. آن مرد نزد عثمان بن حنیف رفت و گفت: «تا تو با خلیفه سخن نگفته و سفارش مرا نکرده بودی، به من توجهی نکرد». من به او گفتم: «والله من با خلیفه سخنی نگفته‌ام؛ ولی کوری را در زمان حیات رسول خدا ﷺ دیدم که از آن حضرت خواست تا چشمانش را شفا بخشد و او چون روز اول بینا شد». مؤلف گوید: این امر نشان‌دهنده جواز تشفع و توسل به آن حضرت است، و توسل به سایر صالحین نیز جایز است؛ زیرا عمر بن خطاب برای باریدن باران و استسقا به عباس، عموی رسول خدا ﷺ متوسل شد و باران آمد (سمهودی، ۱۳۷۴ق، ج ۱، ص ۱۰۹).

تقی‌الدین حصنی از مالک بن انس، پیشوای مذهب مالکی، نقل می‌کند که وی کنار قبر رسول خدا ﷺ می‌ایستاد و دعا می‌خواند و وقوف و دعا کنار قبر آن حضرت را طول می‌داد؛ به همان گونه که حجاج هنگام وداع در کنار کعبه می‌ایستند (حصنی، ۱۳۵۰ق، ص ۲۰۲). همچنین در نقل دیگری آمده است هنگامی که مالک بر رسول خدا ﷺ سلام می‌فرستاد و دعا می‌خواند، صورتش را به سوی قبر قرار می‌داد، نه به سوی قبله، و دعا می‌خواند و سلام می‌گفت (همانجا). همچنین ابوجعفر منصور، خلیفه عباسی، که به زیارت قبر رسول خدا ﷺ آمده بود، مالک بن انس را در حال زیارت قبر پیامبر ﷺ دید. مالک به او آیه‌ای از قرآن را یادآوری کرد که صدای خود را در حضور رسول خدا ﷺ بالا نبرید. منصور گفت: «آیا به سوی قبله بایستم یا قبر؟» مالک گفت: «صورتت را از او بر نگردان...» (مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، ص ۶۱۸) ۲۵ از دیگر علمای حنفی که وقوف و دعا و توسل به آن حضرت

را کنار قبر ایشان بلا اشکال دانسته‌اند، می‌توان به آلوسی،^{۲۶} شربنلالی مصری الحنفی^{۲۷} و مجدالدین حنفی موصلی^{۲۸} اشاره داشت.

نتیجه

داده‌های روایی و تاریخی در این مقاله نشان می‌دهد قبر مطهر حضرت ختمی مرتبت از ابتدا مورد توجه و زیارت صحابه، تابعین، علما و فقهای بزرگ مذاهب اسلامی بوده و هیچ‌گاه از این امر مستحب و مورد تأکید شریعت اسلام غافل نشده‌اند. رسول خدا ﷺ به زیارت قبور با هدف عبرت‌پذیری بسیار سفارش کرده و بر زیارت قبر خود از سوی مؤمنان نیز تأکید داشته است. بزرگان مذاهب چهارگانه اهل سنت ضمن ارائه روایات فراوانی در استحباب زیارت قبر مطهر ایشان اجماع دارند؛ جز سلفیه و وهابیه که خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته‌ای کلاً آن را حرام می‌دانند و دسته‌ای دیگر اگر مترتب بر شد الرحال باشد یا با کارهایی از قبیل وقوف کنار قبر، دعا و خواستن حاجت و توسل و شفاعت طلبیدن و... همراه باشد، آن را حرام دانسته‌اند. بسیاری از بزرگان و علمای اهل سنت شد الرحال را با زیارت قبر رسول خدا ﷺ منافی ندانسته و خود نیز بر اساس سنت رسول خدا ﷺ همواره به زیارت این قبور می‌رفته‌اند و بیشتر آنان رو به قبر می‌ایستاده و کنار آن وقوف می‌کرده و دعا می‌خوانده‌اند. با این حال سلفیه و وهابیه مدعی‌اند کسی از ائمه و پیشوایان مذاهب اسلامی به زیارت این قبور نمی‌رفته و این کار را ناپسند و نامشروع می‌دانسته‌اند. درحالی‌که شواهد متعدد تاریخی ارائه شده در این مقاله، که در منابع تاریخی و روایی اهل سنت آمده است، نه تنها از بی‌اعتباری و بطلان چنین ادعایی حکایت دارد، بلکه نشان می‌دهد که اهل سنت در دیدگاه و عملکرد و رفتار خود در خصوص زیارت قبر رسول گرامی اسلام ﷺ با سلفیه و وهابیه واگرایی دارند و رفتار و عقاید متفاوتی و متضادی را نسبت به آنان در متون روایی و تاریخی خود نشان داده‌اند.

پی نوشت

۱. شفاء السقام من الأحاديث المروية في زيارة قبر النبي صلى الله عليه وسلم، دايرة العثمانية، حيدر آباد دکن، ۱۴۱۹ق. این کتاب رديه‌ای است بر آرای ابن تیمیه در مورد زیارت قبور و موضوع «شد الرحال». شایان ذکر است ابوشهاب محمد بن عبدالهادی نیز کتابی در رد آن نوشته و به دفاع از آرای ابن تیمیه پرداخته و نام آن را الصارم المنکی فی الرد علی السبکی گذاشته که در بیروت به سال ۱۴۲۴قمری در مؤسسه الریان چاپ شده است.
۲. این حدیث از طریق موسی بن هلال العبیدی، از عبیدالله بن عمرو در روایتی دیگر از عبدالله بن عمر نقل شده که این راوی مورد اعتماد اهل سنت است.
۳. به بحث «قاتلین به حرمت» در صفحات بعدی رجوع کنید.
۴. وی هیچ‌گونه جرح و تعدیلی از این احادیث در کتابش نکرده و صرفاً و به طور کلی مدعی مجعول و ضعیف بودن آنها شده است.
۵. المغنی، ج ۳، ص ۱۱۷.
۶. بیان فی مذهب الامام شافعی، ج ۴، ص ۳۷۷.
۷. تحفة المحتاج فی شرح المنهاج، ج ۴، ص ۱۴۵.
۸. مغنی المحتاج الی معرفة معانی الفاظ منهاج، ج ۲، ص ۲۸۳.
۹. نهاية المحتاج الی شرح منهاج، ج ۳، ص ۳۱۹.
۱۰. فتوحات الوهاب، ج ۲، ص ۴۸۳.
۱۱. بلغة المالك المعروف بحاشية الصاوي على الشرح الصغير، ج ۲، ص ۷۱.
۱۲. اعانة الطالبین علی حل الفاظ فتح المبین، ج ۲، ص ۳۵۴.
۱۳. دفع شبه من شبه و تمرد، ص ۸۵.
۱۴. برای اطلاع بیشتر از آرای ابن تیمیه رک: عبدالمحمد شریفات، «بررسی دیدگاه ابن تیمیه درباره زیارت قبور»، مجله سراج منیر، پژوهشنامه نقد وهابیت، شماره ۱۳، سال ۱۳۹۳ش.
۱۵. برای آگاهی از آرای برخی از علمای اهل سنت که زیارت قبر آن حضرت را با این حدیث منافی نمی‌دانند به صفحات بعد رجوع کنید.
۱۶. برای آگاهی بیشتر رک: یعقوب جعفری، «فقه حج: مشروعیت سفر برای زیارت قبور»، میقات حج، شماره ۱۰، سال ۱۳۷۳.
۱۷. شایان ذکر است گفته ابن تیمیه در حالی است که نه در کتب مالک و نه در شروح آن و نه از سوی هیچ یک از علمای مالکی چنین سخنی از مالک نقل نشده است.
۱۸. برای بطلان این مدعی ابن تیمیه بنگرید به صفحات بعدی.
۱۹. این سخن، افترائی به مالک است که در صفحات بعدی مستندات آن ارائه خواهد شد.
۲۰. در مورد بطلان این سخنان در صفحات بعدی سخن خواهیم گفت.
۲۱. نسخ این روایت در صفحات قبل.
۲۲. ابویعلی، سنن، ج ۱، ص ۲۴۱؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۱، ص ۵۲۲؛ بیهقی، السنن الصغیر، ج ۲، ص ۳۷؛ البانی، الموسوعة العقیة، ج ۲.

منابع

۱. آل شیخ، عبدالرحمان بن حسن (۱۳۷۷ق).
فتح المجید شرح کتاب التوحید، تحقیق
محمد حامد الفقی، قاهرة، مطبعة السنة
المحمدية، چاپ هفتم.
 ۲. ----- (۱۴۱۱ق).
المطلب الحمید فی بیان مقاصد التوحید،
ریاض، دار الهدایة للطباعة والنشر
والترجمة.
 ۳. آلوسی، نعمان بن محمود (۱۴۰۱ق). **جلاء
العینین فی محاکمة الأحمدین**، قدم له
على السيد صبح المدني، مدينة المنورة،
مطبعة المدني.
 ۴. ----- (۱۴۲۲ق). **غایة
الأمانی فی الرد علی النبهانی**، تحقیق
أبو عبدالله الدانی بن منیر آل زهوی،
الریاض، مكتبة الرشد.
 ۵. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله
(۱۳۷۴ق). **شرح نهج البلاغة**، تحقیق
ابوالفضل ابراهیم، قاهرة، دار احیاء الكتب
العربی.
 ۶. ابن ابی شیبة، عبدالله بن محمد (۱۴۰۹ق).
المُصنّف فی الاحادیث والآثار، تحقیق
سعيد محمد اللحام، بیروت، دار الفكر.
 ۷. ----- (۱۹۹۷م).
مسند ابن أبی شیبہ، تحقیق عادل بن
- ص ۳۶۳؛ عبدالرحمن بن حسن بن محمد
بن عبدالوهاب، فتح المجید شرح کتاب توحید،
ج ۱، ص ۲۵۱؛ أبو المنذر المنياوی، الجموع
البهية للعقيدة السلفية، ج ۳، ص ۶۰۵ (منابع ذکر
شده آن را نسخ شده می دانند).
۲۳. برای مستندات این رفتار عبدالله بن عمر
به صفحات بعدی مقاله رجوع شود.
۲۴. در مورد قائلان به حرمت مقید به
صفحات قبلی رجوع کنید.
۲۵. قبلاً اشاره کردیم که ابن تیمیه مدعی بود
مالک و سایر بزرگان مذاهب به قبر رو
نمی کردند.
۲۶. آلوسی، غایة الامانی فی الرد علی النبهانی، ج ۲،
ص ۲۴۶.
۲۷. شربنلالی، مراقی الفلاح شرح متن نور الايضاح،
ج ۱، ص ۲۸۵.
۲۸. موصلی، الاختیار لتعلیل المختار، ج ۱، ص ۱۷۵.

- يوسف العزازی و أحمد بن فريد المزيدي، الرياض، دار الوطن.
٨. ابن تيمية، احمد بن عبدالله (١٤٠٨ق). الفتاوى الكبرى، بيروت، دار الكتب العلمية.
٩. ----- (١٤١٦ق). مجموع الفتاوى، تحقيق عبدالرحمان بن محمد بن قاسم، المدينة النبوية، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.
١٠. ----- (١٤١٨ق). قاعدة عظيمة في الفرق بين عبادات أهل الإسلام والإيمان وعبادات أهل الشرك والنفاق، تحقيق سليمان بن صالح الغصن، رياض، دار العاصمة.
١١. ----- (١٤١٩ق). اقتضاء الصراط المستقيم لمخالفة أصحاب الجحيم، تحقيق ناصر عبدالكريم العقل، بيروت، دار عالم الكتب، چاپ هفتم.
١٢. ----- (بی تا). الإخائية (أو الرد على الاخنائي)، تحقيق احمد بن مونس العنزي، جدة، دار النشر.
١٣. ابن جوزي، عبدالرحمان بن علي (١٤١٥ق). مثير العزم الساكن إلى أشرف الأماكن، تحقيق مرزوق علي إبراهيم، بيروت، دار الراهية.
١٤. ابن حبان، محمد بن حبان (١٤١٤ق). صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، تحقيق شعيب الأرنؤوط، بيروت، مؤسسة الرسالة، چاپ دوم.
١٥. ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي (١٤٠٨ق). فتح الباري بشرح صحيح البخاري، التزام عبدالرحمان محمد، بيروت، دار احياء، چاپ دوم.
١٦. ابن حجر هيثمي، احمد بن محمد (١٤١٢ق). تحفة الزوار الى قبر النبي المختار، تحقيق سيد ابوعمة، مصر، دار الصحاب للتراث بطنطا.
١٧. ابن حنبل، احمد بن محمد (١٤٢١ق). المسند، شرح و وضع فهارسه احمد محمد شاكر، دارالمعارف للطباعة و النشر، و نیز (١٣٦٨ق)، تحقيق شعيب الأرنؤوط، عادل مرشد، مصر، بی تا.
١٨. ----- (١٤٠٣ق). فضائل الصحابة، تحقيق د. وصي الله محمد عباس، بيروت، مؤسسة الرسالة.
١٩. ابن خزيمة، محمد بن اسحاق (بی تا). صحيح ابن خزيمة، تحقيق د. محمد مصطفى الأعظمي، بيروت، المكتب الإسلامي.
٢٠. ابن سحمان، سليمان بن سحمان (بی تا). كشف غياهب الظلام عن أوهام

۲۷. ابن عیسی، احمد بن ابراهیم (۱۴۰۶ق). توضیح المقاصد وتصحيح القواعد فی شرح قصيدة الإمام ابن القيم، تحقیق زهیر الشاویش، بیروت، المکتب الإسلامی، چاپ دوم.
۲۸. ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر (بی تا). الروح فی الکلام علی أرواح الأموات والأحياء بالدلائل من الكتاب والسنة، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۲۹. ----- (۱۴۱۲ق). زاد المعاد فی هدی خیر العباد، فهرسه محمد اديب الجاور، بیروت، مؤسسه الرسالة.
۳۰. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۲۰ق). تفسیر القرآن العظیم، تحقیق سامی بن محمد سلامة، مدینة المنورة، دار طيبة للنشر والتوزيع، چاپ دوم.
۳۱. ابن ماجه، محمد بن یزید (بی تا). السنن، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقي، دار إحياء الكتب العربية، فیصل عیسی البابی الحلبي.
۳۲. ابن نجار، محمد بن محمود (۱۴۰۱ق). اخبار مدينة الرسول، المعروف به الدرّة الثمينة، تحقیق صالح محمد جمال، مكة المكرمة، مكتبة الثقافة، چاپ دوم.
۳۳. ابن هشام، عبدالملك بن هشام (۱۳۵۶ق). السيرة النبوية، تحقیق محی الدين جلاء الأوهام وبراءة الشيخ محمد بن عبدالوهاب عن مقتریات هذا الملحد الكذاب، رياض، أضواء السلف.
۲۱. ابن سعود، عبدالعزيز بن محمد (بی تا). رسالة مهمة للإمام المجاهد العلامة عبدالعزيز بن محمد بن سعود أشرف على الطبع: حسن بن غانم الغانم، قطر، وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية.
۲۲. ابن شبه نمیری، عمر بن شبه (۱۴۱۰ق). تاریخ المدينة المنورة، حققه فهيم محمد شلتوت، بیروت، دار التراث.
۲۳. ابن عبدالوهاب، محمد بن عبدالوهاب (۱۴۰۷ق). مختصر زاد المعاد، قاهرة، دارالريان للتراث، چاپ دوم.
۲۴. ابن عبدالهادی مقدسی، محمد بن احمد (۱۴۲۴ق). الصارم المنکی فی الرد علی السبکی، تحقیق عقیل بن محمد المقطری الیمانی، بیروت، مؤسسة الريان.
۲۵. ابن عساکر، عبدالصمد بن عبدالوهاب (۱۴۱۵ق). إتحاف الزائر وإطراف المقيم للسائر فی زیارة النبی صلی الله علیه وسلم، تحقیق حسین محمد علی شكري، بیروت، شركة دار الأرقم بن أبی الأرقم.
۲۶. ابن عساکر، علی بن حسن (بی تا). تاریخ مدينة دمشق، تحقیق عمرو بن غرامة العمروی، بیروت، دار الفكر.

- عبدالمجيد، قاهرة.
۳۴. ابوداود سجستاني، سليمان بن اشعث (بى تا). سنن أبى داود، تحقيق شعيب الأرنؤوط و محمد كامل قره بللى، بيروت، دار الرسالة العالمية.
۳۵. ابوزهرة، محمد (۱۴۲۵ق). خاتم النبيين ﷺ، قاهرة، دار الفكر العربى.
۳۶. ابويعلی، احمد بن على (۱۴۰۴ق). مسند أبى يعلى، تحقيق حسين سليم أسد، دمشق، دار المأمون للتراث.
۳۷. البانى، محمد ناصرالدين (۱۴۱۲ق). سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة وأثرها السيئ فى الأمة، رياض، دار المعارف.
۳۸. بخارى، محمد بن اسماعيل (۱۴۱۰ق). صحيح البخارى، مصر، نشر احياء كتب السنة، چاپ دوم.
۳۹. _____ (۱۴۲۲ق). صحيح البخارى، تحقيق محمد زهير بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة.
۴۰. بزار، احمد بن عمرو (۲۰۰۹م). مسند البزار المشهور باسم البحر الزخار، تحقيق محفوظ الرحمان زين الله، وعادل بن سعد، المدينة المنورة، مكتبة العلوم والحكم.
۴۱. بيهقى، احمد بن حسين (۱۴۰۵ق). دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشريعة، بيروت، دار الكتب العلمية.
- بيروت، دار الكتب العلمية.
۴۲. _____ (۱۴۲۳ق). شعب الإيمان، رياض، مكتبة الرشد للنشر والتوزيع.
۴۳. _____ (۱۴۲۴ق). السنن الكبرى، تحقيق محمد عبدالقادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ سوم.
۴۴. ترمذى، محمد بن عيسى (۱۴۱۳ق). الشمائل المحمدية والخصائل المصطفوية، بيروت، دار إحياء التراث العربى.
۴۵. _____ (۱۹۹۸م). سنن الترمذى، الجامع الكبير، تحقيق بشار عواد معروف، بيروت، دار الغرب الإسلامى.
۴۶. حاكم كبير، محمد بن محمد (۱۴۲۱ق). الكنى والأسماء، تحقيق نظر محمد الفاريابى، بيروت، دار ابن حزم.
۴۷. حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله (۱۴۱۱ق). المستدرک على الصحيحين، تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية.
۴۸. حصنى، ابوبكر بن محمد (۱۳۵۰ق). دفع شبه من شبه وتمرد، قاهرة، بى نا.
۴۹. حصين، احمد بن عبدالعزيز (۱۴۲۰ق). دعوة الإمام محمد بن عبد الوهاب سلفية لا وهابية، فهرسة مكتبة الملك فهد

- الوطنية، رياض.
۵۰. خراساني، سعيد بن منصور (۱۴۰۳ق). سنن سعيد بن منصور، تحقيق حبيب الرحمان الأعظمي، الهند، الدار السلفية.
۵۱. خرکوشی، عبدالملك بن محمد (۱۴۲۴ق). شرف المصطفى، مکه، دار البشائر الإسلامية.
۵۲. دارقطنی، علی بن عمر (۱۴۲۴ق). سنن الدارقطنی، حققه وعلق عليه شعيب الارنؤوط، حسن عبدالمنعم شلبي، بيروت، مؤسسة الرسالة.
۵۳. زمخشري، محمود بن عمر (بی تا). الفائق فی غريب الحديث والأثر، تحقيق علی محمد البجاوی، محمد أبو الفضل إبراهيم، لبنان، دار المعرفة.
۵۴. ----- (۱۴۰۷ق). الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، بيروت، دار الكتاب العربي، چاپ سوم.
۵۵. سمهودی، علی بن عبدالله (۱۳۷۴ق). وفاء الوفا باخبار دار المصطفى، حققه و فصله محمد محیی الدین عبدالحمید، قاهرة، مطبعة السعادة.
۵۶. ----- (بی تا)، خلاصة الوفا بأخبار دار المصطفى، دراسة وتحقيق محمد الأمين محمد، محمود أحمد الجکینی، بی جا.
۵۷. سهسواني، محمد بشير بن محمد (بی تا). صيانة الإنسان عن وسوسة الشيخ دحلان، المطبعة السلفية ومكتبتها، چاپ سوم.
۵۸. سهیلی، عبدالرحمان بن عبدالله (۱۳۸۷ق). الروض الانف فی شرح السيرة النبوية، تحقيق عبدالرحمان الوكيل، قاهرة، دارالکتب الحديثة.
۵۹. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر (۱۴۱۷ق). شرح الصدور بشرح حال الموتی والقبور، تحقيق عبدالمجيد طعمة حلي، لبنان، دار المعرفة.
۶۰. شارعی، عبدالرحمان بن مکی (۱۴۱۵ق). مرشد الزوار إلى قبور الأبرار، قاهرة، الدار المصرية اللبنانية.
۶۱. شقيری، محمد بن احمد (بی تا). السنن والمبتدعات المتعلقة بالأذکار والصلوات، تصحيح محمد خليل هراس، بيروت، دار الفكر.
۶۲. شمس شامی، محمد بن يوسف (۱۴۱۴ق). سبل الهدى والرشاد فی سيرة خير العباد، تحقيق و تعليق الشيخ عادل أحمد عبدالوجود، الشيخ علی محمد معوض، بيروت، دار الکتب العلمية.
۶۳. صنعاني، عبدالرزاق بن همام (۱۴۰۳ق). المصنف، تحقيق حبيب الرحمان الأعظمي،

- چاپ دوم، هند، المجلس العلمی.
۶۴. طبرانی، سليمان بن احمد (۱۴۲۷ق). المعجم الكبير، تحقيق حمدی بن عبدالمجيد السلفی، قاهرة، مكتبة ابن تيمية.
۶۵. ----- (بی تا). المعجم الأوسط، تحقيق طارق بن عوض الله بن محمد، عبدالمحسن بن إبراهيم الحسيني، قاهرة، دار الحرمين.
۶۶. طبری، محمد بن جریر (۱۴۲۲ق). تفسير الطبری، جامع البيان عن تأويل آي القرآن، تحقيق عبدالله بن عبدالمحسن التركي، بی جا، دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان.
۶۷. عثيمين، محمد بن صالح (۱۴۲۴ق). القول المفيد على كتاب التوحيد، المملكة العربية السعودية، دار ابن الجوزي.
۶۸. عفانة، حسام الدين موسى (۱۴۲۵ق). اتباع لا ابتداء. قواعد وأسس في السنة والبدعة، بيت المقدس، بی نا، چاپ دوم.
۶۹. غزالي، محمد بن محمد (۱۴۰۹ق). احياء العلوم، بيروت، دارالفكر.
۷۰. فاسي، محمد بن احمد (۱۴۰۵ق). شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، حققه عمر عبدالسلام تدمري، بيروت، دارالكتاب العربي.
۷۱. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق).
- مفاتيح الغيب، التفسير الكبير، بيروت، دار إحياء التراث العربي، چاپ سوم.
۷۲. قاری، ملاعلی (۱۴۲۱ق). شرح الشفا، بيروت، دار الكتب العلمية.
۷۳. قاضي، اسماعيل بن اسحاق (۱۳۹۷ق). فضل الصلاة على النبي ﷺ، تحقيق محمد ناصرالدين الألباني، بيروت، المكتب الإسلامي، چاپ سوم.
۷۴. قاضي عياض، عياض بن موسى (۱۴۰۷ق). الشفا بتعريف حقوق المصطفى، عمان، دار الفيحاء، چاپ دوم.
۷۵. قحطاني، عبدالرحمان بن محمد (۱۴۰۸ق). حاشية كتاب التوحيد، رياض، بی نا، چاپ دوم.
۷۶. مالك بن انس (۱۴۰۶ق). موطأ الإمام مالك، صححه محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت، دار إحياء التراث العربي.
۷۷. متقی هندی، علی بن حسام الدين (۱۴۰۹ق). كنز العمال في سنن والاقوال والافعال، بيروت، مؤسسة الرسالة.
۷۸. مسلم بن حجاج (بی تا). المسند الصحيح، تحقيق محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت، دار إحياء التراث العربي.
۷۹. مغربي، حسين بن محمد (۱۴۱۴ق). البدر التمام شرح بلوغ المرام، تحقيق علی بن عبدالله الزين، بی جا، دار هجر.

٨٠. مقریزی، احمد بن علی (١٤٢٠ق). إمتاع
الأسماع بما للنبي من الأحوال والأموال
والحفدة والمتاع، تحقيق محمد عبدالحميد
النميسي، بيروت، دار الكتب العلمية.
٨١. نسائي، احمد بن علی (١٤٠٦ق). السنن
الصغرى، تحقيق عبدالفتاح أبوغدة، حلب،
مكتب المطبوعات الإسلامية.
٨٢. ----- (١٤٢١ق). السنن
الكبرى، حققه وخرج أحاديثه حسن
عبدالمنعم شلبي، أشرف عليه شعيب
الأرنؤوط، بيروت، مؤسسة الرسالة.
٨٣. نووي، يحيى بن شرف (بى تا). المجموع
شرح المهدب، بيروت، دار الفكر.
٨٤. ----- (بى تا). صحيح
مسلم بشرح الامام النووي، بيروت،
دارالفكر.
٨٥. هيثمي، على بن ابى بكر (١٤١٤ق). مجمع
الزوائد و منبع الفوائد، تحقيق حسام الدين
القدسى، قاهرة، مكتبة القدسى.